

اسلام‌پژوهش‌های روان‌شناختی

سال نهم، شماره اول، پیاپی ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (ص ۷-۳۶)

مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی و استخراج مؤلفه‌های آن براساس منابع اسلامی

Conceptualization of the death awareness and extraction of its components based on Islamic sources

فاطمه کارگر شورکی / کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران.

محمدصادق شجاعی / دکتری روان‌شناسی، استادیار روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Fatemeh Kargar / Master's degree, Higher Education Institute of Ethics and Education, Qom, Iran

f.kargar194@chmail.ir

Mohammad Sadeq Shujaie / Assistant Professor of Psychology, Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

This research has been done with the aim of developing a conceptual model of death awareness, based on religious texts and checking its validity. At first, with a qualitative approach with the strategy of "lexical search" by means of 39 related words, religious propositions were collected using targeted sampling and based on the principle of saturation in Islamic sources, and were analyzed using the method of qualitative analysis of the content of religious texts. Then, in order to ensure their compatibility with the content of religious texts on the one hand and its application in the field of psychology on the other hand, the validity of the findings was evaluated using the opinions of experts by 10 experts by calculating the content validity index (CVI) and the content validity ratio (CVR) was investigated. The findings showed that the death awareness is psychological construct, based on continuous attention to the truth of death in the framework of Islamic thought, which, as an all-encompassing, definitive, and mysterious phenomenon,

چکیده

این پژوهش، با هدف تدوین مدل مفهومی مرگ‌آگاهی براساس متون دینی و بررسی میزان روایی آن انجام شده است. در ابتدا با رویکردی کیفی با راهبرد «جست‌وجوی واژگانی» به وسیله ۳۹ واژه مرتبط، گزاره‌های دینی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و براساس اصل اشباع در منابع اسلامی، جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی مورد بررسی قرار گرفت. سپس اعتبار یافته‌ها با استفاده از ارزیابی نظرات متخصصان به وسیله ۱۰ کارشناس با محاسبه شاخص روایی محتوا (CVI) و نسبت روایی محتوا (CVR) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان دادند که مرگ‌آگاهی، سازه‌ای است روان‌شناختی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی که به‌عنوان یک پدیده فراگیر، قطعی، پر رمز و راز، به زندگی انسان، معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی

gives divine meaning human life and causes peace and effective effort and provides for ultimate happiness. Also, by inferring from Islamic verses and narrations, the components of death awareness, reached ten components: comprehensiveness, certainty, ambiguity, peacefulness, meaning making, superiority of other world, belief in resurrection day, accepting the death, thinking about death and continuous intention to it

Keyword: Death, awareness, death awareness, Islamic sources.

فراهم می‌آورد. همچنین، با استنباط از آیات و روایات اسلامی، مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی، به ده مؤلفه: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرام‌بخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ‌باوری، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر، رسید و بستر مناسبی را برای تدوین پرسشنامه و بسته آموزشی این سازه فراهم نمود.

کلیدواژه‌ها: مرگ، آگاهی، مرگ‌آگاهی، منابع اسلامی.

مقدمه

مرگ، یکی از فرایندهای غیرقابل اجتناب زندگی است و به این علت که در پایان زندگی رخ می‌دهد اطلاعات و تجربه کمی درباره آن وجود دارد (وانگ^۱، ۲۰۱۵). به گواه تاریخ، تفکر درباره ماهیت مرگ از نخستین روزهای تاریخ حیات معقول آدمی وجود داشته و به دنبال آن نیز انسان، اضطراب و ترس از مرگ را تجربه کرده است. ابن‌سینا و ملاصدرا، علت اصلی ترس از مرگ را جهل انسان‌ها نسبت به واقعیت مرگ و حوادث پس از آن دانسته‌اند (عبدالخالق، ۱۹۹۸). وجودگرایان، معتقدند با وجود اینکه مرگ واضح‌ترین و قابل درک‌ترین دلواپسی غایی بشر است، اضطرابی در فرد برمی‌انگیزد که برای بیشتر انسان‌ها قابل تحمل نیست، به‌گونه‌ای که اغلب از آگاهی هشیار افراد دور نگه داشته می‌شود (کوبلرراس^۲، ۲۰۰۹؛ می و یالوم^۳، ۲۰۰۰؛ روزنبلاد، گرینبرگ، سولومون، پیزینسکی و لاین^۴، ۱۹۸۹؛ یالوم، ۱۹۸۰؛ محمدپور، ۲۰۱۱). اما، اگر سلامتی را بسط هشیاری و خودشناسی تعریف کنیم (قربانی، ۲۰۱۳) و رویارویی را جوهره تمام فنون روان‌درمانی بدانیم (مک‌کالو و همکاران^۵، ۲۰۰۳)، ارزش رویارویی واقعی با مرگ و مرگ‌آگاه شدن برابر با تمام درمان است (یالوم، ۱۹۸۰؛ می و یالوم، ۲۰۰۰؛ علی‌اکبری دهکردی

1. Wong, W.

2. Kubler-Ross, E.

3. May, R., & Yallom, I.

4. Rozenblad Rosenblatt, A., Greenberg, J., Solomon, S., Pyszczynski, T., & Lyon, D.

5. McCullough, L., Kuhn, N., Andrews, S., Kaplan, A., Wolf, J., & Hurely, C.

و دلیر، ۲۰۰۹) چراکه، راه دادن هیچ محرکی به هشیاری به اندازه راه دادن مرگ به هشیاری باعث بسط هشیاری و خودشناسی نمی‌شود (یالوم، ۱۹۸۰؛ فایرستون و کتلت^۱، ۲۰۰۹). در یک بررسی کلی، نتایج نشان داد روان‌شناسان تا چندی قبل، مفهوم مرگ را مرحله انتقالی در چرخه زندگی نمی‌دانسته و حتی بررسی آن را چندان خوشایند نمی‌دیدند اما در این اواخر، به‌طور جدی و به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی رشد، بدان پرداخته‌اند. همچنین، بررسی‌ها، خطوط مقدم تحقیق پیرامون مسئله مرگ در روان‌شناسی را، نگرش‌های اقبال مختلف جامعه نسبت به مرگ، اضطراب مرگ و درمان روان‌بیماران لاعلاج دانست و اعلام نمود این تلاش‌ها در ادامه، باعث به وجود آمدن بیمارستان‌های روانی متعددی برای این دست از بیماران و باز شدن مسیر تحقیق و پژوهش در حوزه مرگ‌شناسی شده است (کاستنبرگ^۲، ۲۰۰۳، ص ۹۷). در این مسیر، روان‌شناسان برای تعیین نگرش اجتماع نسبت به مرگ، صدها پژوهش بر روی مردان، زنان، بیماران در آستانه مرگ و حتی کودکان انجام داده‌اند که نتایج برجای مانده از آنها را می‌توان در چند نکته خلاصه نمود: نخست، اکثریت قریب به اتفاق مردم درباره مرگ، می‌اندیشند، اما تنها میان عده‌ای از ایشان هراس از مرگ وجود دارد. تعداد کسانی که به‌طور دائم درگیر اندیشه مرگ هستند و از آن هراس دارند، اندک است. زنان اغلب بیشتر از مردان از مرگ می‌هراسند، اما به‌طورکلی، تفاوت هراس از مرگ، میان دو جنس، ناچیز است. همچنین، هراس از مرگ با افزایش سن، افزایش پیدا نمی‌کند و سرانجام اینکه در مواجهه با مرگ خویش، نگرانی‌های اغلب مردم عبارتند از: درد ضمنی (نگرانی از داشتن مرگ دردناک)، وابستگی به هنگام مرگ، تنهایی و بدون یاور ماندن در هنگام مرگ و نگران اوضاع بازماندگان و خویشان خود بودن (همان، ص ۱۰۷). در ادامه روان‌شناسان به حوزه‌های دیگر مربوط به مرگ، همچون کشتن^۳، کشته شدن^۴، خودکشی^۵، جنگ، سوگواری^۶، مرده‌خواهی^۷ و تجربه‌های نزدیک به مرگ^۸ وارد شدند.

1. Firestone, R., & Catlett, J.

2. Castenberg, R.

3. kill.

4. to be killed.

5. Suicide.

6. Mourning.

7. Necrophilia.

8. Near-Death Experiences.

با پیشرفت هرروزه علم روان‌شناسی، روان‌شناسان شروع به صورت‌بندی تحقیقاتشان در قالب نظریه کردند. به‌عنوان نمونه، نگی^۱ مرگ را واجد دو ویژگی مهم و متمایزکننده «اجتناب‌ناپذیر بودن (تجربه مشترک همه انسان‌ها) و برگشت‌ناپذیری» می‌داند و یک تقسیم‌بندی سه مرحله‌ای در مورد ادراک معنای مرگ در انسان انجام داده است (بلاکهام^۲، ۱۳۶۸، ص ۱۲۵). پیاژه^۳، قائل به وجود یک سطح عملی انتزاعی یا به عبارت بهتر، توانایی تفکر درباره مرگ است که تا اوایل نوجوانی (۱۲ سالگی به بعد) به وجود نمی‌آید و شاید تا فرد رویدادهای عالی ذهنی را گسترش نداده باشد، قادر به استنباط کامل پایان‌پذیری زندگی و اجتناب‌ناپذیری مرگ نیست و تنها در این سنین است که مرگ را به‌عنوان یک مقوله انتزاعی درک می‌کند و تا قبل از این سن، تفکر کودکان عینی و تابع لفظ و صورت است (ادوارد و وارد^۴، ۱۳۷۷). فروید^۵، در اوایل جنگ جهانی اول در مقاله‌ای به‌عنوان «اندیشه‌های درخور ایام جنگ و مرگ» می‌نویسد: «اگر می‌خواهی زندگی را تاب آوری، خود را برای مرگ آماده کن» (فروید، ۲۰۰۱، ص ۲۶۱). از نظر او «اروس^۶» مایه دوستی و صیانت ذات است اما «تاناتوس^۷»، «موجب مرگ و نیستی و عداوت و انهدام نسل است (همان، ص ۷۴). فروید به دو گزینه مرگ و زندگی در وجود انسان معتقد بود و می‌گفت بیشتر اوقات در کشاکش بین لبه «گزینه زندگی^۸» و «گزینه مرگ^۹»، غلبه با گزینه مرگ است و به‌طور معمول، نیروی مخرب‌کننده، قوی‌تر از نیروی سازنده است (لپ^{۱۱}، ۱۳۷۱، روان‌شناسی مرگ، ص ۷۸). او همچنین،

1. Marie Negi.

2. Buckman, R.

3. Piaget.

4. Edward and Ward.

5. Freud.

6. Eros.

7. Tanatos.

۸. واژه «تاناتوس» که به گزینه مرگ ترجمه شده به فرشته «مذکر بالدار» گفته می‌شود که مجسم‌کننده مرگ است (رایج در ادبیات یونان باستان).

9. life instinct.

10. death instinct.

11. Lap, A.

«سادیسزم»^۱ و «مازوخسیم»^۲ را دو چهره از همان تمایل ویرانگر به شمار می‌آورد. فروم^۳، غریزه مرگ و محصول آن گرایش به ویرانگری را پیامد زیستن نادرست و در حقیقت پدیده‌ای ثانوی نسبت به شکست در هنر زیستن می‌داند. وقتی که غریزه مرگ، بر سایر گرایش‌های انسان تسلط می‌یابد، نشانگر اختلال دماغی است و برخلاف نظر فروید، پدیده‌ای بهنجار محسوب نمی‌شود (حقایق و کجیاف، ۱۳۹۵، ص ۷). یالوم، فرض می‌کند که رابطه مستقیم بین آگاهی از مرگ و ترس پس از آن وجود دارد (هالتروف^۴ ۲۰۱۰). او اندیشیدن و رویارویی با مرگ را تجربه‌ای برانگیزاننده می‌داند که باعث می‌شود افراد به طرز چشمگیری تغییرات مثبت در زندگی‌شان ایجاد کنند. آنها با تحقیر مسائل پیش‌پافتاده روزمره، به زندگی خود سروسامان می‌دهند و این قدرت را به دست می‌آورند که دست به کارهایی بزنند که از قبل، مایل به انجام آن نبوده‌اند. پیوندهایشان با دیگران قوی‌تر و نسبت به مواهب زندگی قدردانی می‌کنند (یالوم، ۲۰۰۸). فرانکل^۵، که به عنوان پدیدآورنده معنادرمانی فردی شناخته شده است، نه تنها مرگ را تهدید نمی‌داند بلکه معتقد است مرگ، انسان را وادار می‌کند که از زندگی استفاده حداکثری کند و از هر فرصتی برای انجام کارهای معنادار، استفاده نماید. بنابراین، توجه به مرگ می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت و زندگی کامل شود (شارف^۶، فیروزبخت، ۱۳۹۲). از نگاه خانم کوبلرراس، انسان در فرایند مردن، باید آگاهانه مرگ خویش را بپذیرد (کوبلرراس، ۱۳۸۶) چراکه، مرگ‌آگاهی، می‌تواند به افراد کمک کند که به سلامت جسمانی خود اهمیت داده و ارزش‌های فرانسسانی و نوع‌دوستانه را در نظر بگیرند، دیگران را دوست بدارند، ارتباط سالم و آرام‌بخشی با دیگران برقرار کنند، کارهای خیرخواهانه انجام بدهند، نگرش بازتر و خوش‌بینانه‌تری داشته و در نهایت از سلامت روان بالاتری برخوردار باشند (کنس و جکوب^۷، ۲۰۱۵). درواقع، مرگ‌آگاهی، الهام‌بخش بوده و با نوآوری همراه است و کمک می‌کند تا فرد به عالمی ورای خود بپیوندد (گرینبرگ، کول و پیژینسکی^۸، ۲۰۰۴).

1. Sadism.

2. Masochism.

3. Fromm.

4. Hoelterhoff, M. E.

5. Frankl.

6. Sharf.

7. Kenneth, V & Jacob, J.

8. Greenberg, J., Koole, S. L., & Pyszczynski, T.

مرگ‌آگاهی^۱ در اصطلاح، به تلاش‌هایی که افراد برای آگاهی از چیستی و حقیقت مرگ انجام می‌دهند، گفته می‌شود (استین و کروپانزانو^۲، ۲۰۱۱). البته به نظر می‌رسد مرگ‌آگاهی، مفهومی فراتر از مرگ‌اندیشی است که علاوه بر جنبه‌های شناختی وجود مرگ، ابعاد هیجانی (عاطفی) و رفتاری انسان درباره مرگ را نیز در برمی‌گیرد. در واقع، مرگ‌آگاهی، همان آوردن مرگ به سطح هشیاری و ارجاع آن به حوزه عمل است (قنبری و مشایخی، ۱۳۹۱). طبق یک تقسیم‌بندی، مرگ‌آگاهی را می‌توان به دو نوع مجزای اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی در نظر گرفت که با افزایش بُعد مرگ‌اندیشی، بُعد اضطراب مرگ در آدمی کاهش می‌یابد (گرنث و وید بنزونی^۳). در واقع، شاید بهتر باشد که گفته شود که مرگ‌آگاهی دو پیامد عمده، اضطراب مرگ و مرگ‌اندیشی را با خود به همراه دارد.

در خصوص مطالعات و تاریخچه پژوهشی در مورد مرگ‌آگاهی، می‌توان گفت که پژوهش‌ها در دو حوزه روان‌شناختی و اسلامی کار شده است. در حوزه روان‌شناختی، مداخلات مرگ‌آگاهی دو دسته هستند: دسته‌ای از مداخلات برای پژوهش‌ها و دسته‌ای دیگر در کار بالینی و درمانی به کار رفته‌اند (یالوم، ۱۹۸۰، فصل پنجم؛ کوپر^۴، ۲۰۰۳، ص ۷۶). این دسته اخیر را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: روش‌های طبیعی و روش‌های مصنوعی. در روش‌های طبیعی، مداخله بر حالتی از نزدیکی به مرگ که به صورت طبیعی رخ داده، متمرکز می‌شود، مانند سرطان و ایدز. در روش‌های مصنوعی، درمانگر آگاهی از مرگ را برای مراجع می‌آفریند، مانند این که مراجع، آگاهی تحمیم خود را بنویسد. برای نمونه، ویسنسکا^۵ (۱۹۹۹) در پژوهشی نشان داد که آگاهی از مرگ موجب افزایش مسئولیت‌پذیری در افراد می‌شود و همچنین افزایش آگاهی از مرگ می‌تواند به غلبه کردن ما در ترس از مرگ کمک کند و در عین حال بهتر است که به جای انکار مرگ و عدم بحث و گفتگو در مورد آن، به افراد کمک شود تا با آگاهی، با واقعیت مرگ مواجه شوند. نتایج یک تحقیق هم‌سو نیز نشان داد که به طور کلی، افراد روان‌رنجور برای اینکه مرگ را بیاد نیاورند از یک سری دفاع‌ها استفاده

1. Death awareness.

2. Stein, J. H., & Cropanzano, R.

3. Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A.

4. Cooper, M.

5. Wysoczańska, A. W.

می‌کنند تا اضطراب افکار مرگ را کاهش دهند (ماکس فیلد^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). یافته‌های پژوهشی دیگری، نشان داد گروهی که به‌طور واقعی با مرگ خود روبه‌رو می‌شوند و نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنند، نسبت به گروه کنترل، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه می‌کنند (گرنس^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، نتیجه یک پژوهش حاکی از آن است که آموزش مرگ (مرگ‌آگاهی) منجر به تغییر در ادراک، رفتارها و نگرش‌های پرستاران و دانشجویان پرستاری شده است (ژانگ، هو، زنگ، ما و لی^۳، ۲۰۲۰).

در مورد مرگ و مرگ‌آگاهی با رویکرد اسلامی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه، مظفری‌ورسی (۱۳۹۲)، ضمن مفهوم‌شناسی و بیان انواع مرگ به جنبه‌های مذهبی، اخلاقی و روان‌شناختی آن اشاره نموده و در ادامه به موانع، راهکارها، آسیب‌ها و آثار مثبت مرگ‌اندیشی براساس آموزه‌های اسلامی پرداخته است. عسگری یزدی، قمی و رازآبادی (۱۳۹۷) بعد از تبیین ماهیت مرگ، به بررسی و مقایسه نقش مرگ در معنا بخشی به زندگی از نگاه حکمت‌صدایی و اگزستانسیالیسم الحادی پرداخته‌اند. زندی و موسوی (۱۳۹۶) با استفاده از رویکرد وجودی‌نگر به تبیین کلی روایات مرگ پرداخته و نشان داده‌اند که مرگ‌آگاهی از طریق برخی متغیرهای میانجی (خودشناسی، هوشیاری و مراقبه) زندگی را معنادار و اصیل می‌کند. ایمانی خوشخو و اسماعیلی (۱۳۹۴) به بازخوانی مفهوم مرگ و رابطه متقابل میان یاد مرگ و آثار آن پرداخته‌اند. طاهری سرتشنیزی و موسوی (۱۳۹۱) در پژوهشی ضمن بررسی فهم درست از مرگ و حیات به این نتیجه دست یافته است که تقویت ایمان عامل بنیادی برای مرگ‌آگاهی و زدودن غفلت در این زمینه می‌باشد. ملکشاهی بیرانوند و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی دریافتند که مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی به کاهش اضطراب مرگ و کاهش علائم اختلال وحشت‌زدگی منجر می‌شود. فرحبخش، کاظمیان و ردایی (۱۳۹۶) در پژوهشی از نوع مطالعات کیفی مدعی شدند که فرایند مرگ‌آگاهی و بینش نسبت به واقعیت مرگ از طریق تقویت علاقه اجتماعی، مثبت‌اندیشی و افزایش سطح آسایش و امنیت روانی مراقبت‌کنندگان بیماران سرطانی و بهبود رضایت آنها از وضعیت زندگی خویش و دشواری‌های آن، سازگاری با فرایند مراقبت و وضعیت حاصل از بیماری فرد سرطانی را تا حد زیادی افزایش می‌دهد. صالحی و اکبرزاده

1. Maxfield, M., Solomon, S., Pyszczynski, T., and J Greenberg, J.

2. Goranson, A., Ritter, R.S. Waytz, A, Norton, M.I, Gray, K. Dying.

3. Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L.

(۱۳۹۴) در پژوهش کیفی خود به تحلیل دیدگاه اسلامی و اگزیستانسیالیسم در زمینه مرگ آگاهی و پیامدهای مختلف آن بر سبک زندگی با هدف شناخت دقیق وجوه تشابه و تفاوت دو نظریه پرداخته‌اند. قانع‌راد و کریمی (۱۳۸۵)، با نگاه پدیدارشناختی، دریافتند که بارزترین تمایز موجود در مجموعه تصورات از مرگ، متأثر از فهم‌های مذهبی است و خانواده، سهمی اساسی در فرایند چنین فهمی دارد. همچنین اعتقاد به خدا و جهان پس از مرگ (معاد)، پذیرش نسبی واقعیت مرگ و ترس ناشی از آن و اندیشه موقت یا دائمی مرگ، بخشی از معانی نهفته تجربه ذهنی مرگ را تشکیل می‌دهند. توان، جهانی و حکمت‌پور (۱۳۹۲)، در پژوهشی کیفی، دریافتند که مرگ مرحله‌ای از تکامل زندگی بشر است و توجه و اندیشیدن به مرگ و جهان آخرت، انسان‌ها را از گناهان و خواهش‌های نفسانی دور می‌کند و نقش بسزایی در سازندگی آنان دارد. و سرانجام احمدی و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی بدین نتیجه رسیدند که بیماری سرطان، ضمن یادآوری مرگ برای افراد مبتلا، موجب می‌گردد که برخی از مقابله‌های مذهبی در سبک زندگی آنها پدیدار شده یا افزایش یابد. به عنوان نمونه، این بیماران پس از ابتلا، بیشتر تمایل داشتند که به انجام خیرات به فقرا و همین‌طور توسل به امامان علیهم‌السلام و زیارت بپردازند.

اما مطابق بررسی‌ها، در آثار روان‌شناسان، ناخواسته یا ناتوانسته، اشاره‌ای به آموزه‌های غنی اسلامی در زمینه مفهوم مرگ آگاهی و به‌ویژه مؤلفه‌های آن نشده است و نیز پژوهشگران اسلامی این مفهوم را یا به‌طور مستقیم و کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده‌اند. بنابراین، این آموزه نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی بوده و تبیین‌های روان‌شناختی دقیق‌تری را می‌طلبد. لذا به نظر می‌رسد، این پژوهش بتواند ارزش‌های روان‌شناختی مفهوم مرگ آگاهی را از منابع اسلامی اکتشاف و زمینه‌های عملیاتی‌سازی آن را مطرح سازد. بنابراین، این پژوهش در پی آن است که با رویکردی تأسیسی و براساس روشی کیفی مجموع مفاهیم موجود مشیر به مرگ آگاهی در منابع اسلامی را در یک مدل مفهومی مورد بررسی قرار داده و میزان روایی آن را بسنجد. همچنین، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سؤال است که مؤلفه‌های روان‌شناختی مفهوم مرگ آگاهی براساس منابع اسلامی کدامند؟

روش پژوهش

در این تحقیق از روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی (شجاعی، ۱۳۹۹ الف) استفاده

شده است. پایه و اساس تحلیل کیفی محتوای متون دینی، پردازش فعال متن (مفاهیم، واژه‌ها، گزاره‌ها) است که با به‌کارگیری اصول معناشناسی زبانی (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده، ۱۳۹۳) صورت می‌گیرد. جامعه متنی این پژوهش، قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه بود. نمونه‌گیری به صورت شبکه‌ای^۱ و واحدهای نمونه‌گیری، گزاره‌های ناظر به مرگ آگاهی بودند. فرایند پژوهش به این شکل بود که ابتدا با استفاده از راهبرد «جستجوی واژگانی» در منابع اسلامی، تمامی کلید واژه‌های که در ارتباط با مفهوم مرگ (به معنای عام) که ۳۹ مورد شد^۲، شناسایی، جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس با استفاده از اصل هم‌معنایی^۳، تقابل معنایی^۴ و حوزه واژگانی^۵ از اصول معناشناسی زبانی در چندین رفت و برگشت میان منابع اسلامی و کتب لغوی محقق به این نتیجه رسید واژه‌های موت، توفی، رجوع، آخرت، رحلت، اجل، یقین، معاد و ذکر الموت، واژه‌های جامع‌تر و نزدیک‌تری به مفهوم مرگ آگاهی بوده و با بررسی در منابع اسلامی در کنار معانی لغوی و اصطلاحی مشخص گردید که این چند واژه برای اکتشاف مفهوم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های مرگ آگاهی به کار روند. سپس در یک توالی نقطه به نقطه و به صورت تدریجی، مستندات مربوط به مرگ آگاهی گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. استراتژی توالی نقطه به نقطه در پژوهش‌های فرایندی و مواردی که پژوهشگر یافته‌های مربوط به یک مرحله از تحقیق را نقطه شروعی برای مرحله بعدی در نظر می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۹۹ ب) کاربرد دارد. همچنین، در این پژوهش، جهت اعتبارسنجی یافته‌ها یعنی همان الگوی مفهومی و مؤلفه‌های مرگ آگاهی، علاوه بر دقت و بازنگری توسط خود فرد (پژوهشگر)، محققان دیگر (داوران که در این زمینه تخصص دارند) نیز نتایج به دست آمده از تحقیق را ارزیابی می‌کنند. در صورتی که ارزیابی مثبت و نتایج نظر کارشناسان با نتایج پژوهش هماهنگ باشد، تصور می‌شود که این قسمت از پژوهش از اعتبار و روایی

1. Network sampling.

۲. موت، مات، ممات، توفی، فوت، وفات، اجل، رجوع، رجعت، معاد، آخرت، لقاء الله، رحلت، صبر و صبروت، طعن، تلخ، خضر، سکر، غمر، غشی، قتل، هلك، صعق، نزع، ذكر الموت، سوق، قبض، منية، ممون، حمة، دغان، شعوب، عبول، فنق، قوط، فيظ، حتف. يقين.

3. Synonym.

4. semantic opposition.

5. lexical field.

لازم برخوردار است (المناسره، مولس و چن^۱، ۲۰۱۹؛ پولیت، بک و اوون^۲، ۲۰۰۷). بنابراین، در پژوهش حاضر، برای بررسی و اعتبارسنجی کیفی و انطباق برداشت‌های محقق در مورد روایی وابسته به محتوا، از نظر کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. به این منظور، ضمن تهیه جدولی مشتمل بر توضیح فرایند استنباط سبک‌های اسناد در قرآن، از ۱۰ کارشناس متخصص علوم اسلامی و روان‌شناسی خواسته شد: (۱) میزان مطابقت و ضرورت محتوای استنباطی را با مستندات و موضوعات در یک طیف لیکرت چهار درجه‌ای مشخص کنند، (۲) مفید بودن و کاربردپذیری یافته‌های این پژوهش را در روان‌شناسی تعیین کنند. روش کار به این صورت بود که اطلاعات به دست آمده پس از دسته‌بندی، در یک فرم که برای روایی‌سنجی در نظر گرفته شده بود، به ۱۰ کارشناس دارای سابقه تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مقطع دکترا ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

در مرحله نخست، برای به دست آوردن تمام آیات و روایاتی که شامل مفهوم «مرگ» و «مرگ‌آگاهی» است با مراجعه به لغت‌نامه‌ها و معاجم لغوی، واژه «مرگ»، «آگاهی» و «مرگ‌آگاهی» و مترادف‌ها و معادل‌های آنها پیدا شد. بعد با مراجعه به قرآن و منابع روایی، آیات و روایاتی را که این لغات در آنها وجود دارد استخراج گردید. شایان ذکر است که محقق در فرایند جستجو، به آیات و روایاتی برخورد نمود که در عین‌حالی که حاوی این واژه‌ها نبودند اما امکان استنباط مفهوم مرگ‌آگاهی و مؤلفه‌های آن از آنها وجود داشت لذا برای کامل‌تر شدن کار، آنها را نیز به عنوان یافته‌ها اضافه نمود. در این راستا، ابتدا، سه دسته از آیات قرآن در قالب؛ معانی، قلمرو و ضرورت مرگ، مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱: معانی مرگ

مضامین	نمونه شواهد
مرگ زمین علامت کشف رموز مرگ انسان	۳۹ فصلت، ۱۱ زخرف، ۵ جاثیه، ۹ فاطر
مرگ طبیعی (مرگ انسان)	۹۳ انعام
مرگ‌های متفاوت برای انسان‌ها	۳۲ نحل، ۵۵ آل عمران، ۵۱، ۵۰ انفال، ۱۱، ۱۰ احزاب

1. Almanasreh, E., Moles, R., & Chen, T. F.

2. Polit, D. F., Beck, C. T., & Owen, S. V.

مرگ به معنای توفی	۱۲۶ اعراف، ۲۷، ۲۸ نحل، ۱۰۱ یوسف
مرگ به معنای خواب	۶۰ انعام، ۴۲ زمر
مرگ خاص (شهادت) نپذیرفتن زندگی پس از مرگ به معنای انکار خدا	۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۹ آل عمران، ۱۵۴ بقره، ۱۲۵ اعراف
مرگ به معنای چهل و گمراهی	۱۲۵ توبه، ۷۰ یس، ۴۲ انفال، ۹۷ نحل
مرگ به معنای کفر	۱۹ روم، ۳۱ یونس، ۹۵ انعام، ۲۷، ۲۸ آل عمران
مرگ خاص با دارا بودن امکان برگشت به زندگی	۲۴۳، ۷۳، ۵۶ بقره
مرگ به معنای عدم	۲۳ مریم
مرگ به عنوان نعمت (رهایی از عذاب)	۷۴ طه، ۱۳ اعلی، ۱۷ ابراهیم
مرگ به عنوان یقین آور	۹۹ حجر، ۴۷ مدثر، ۱۸ نساء، ۲۶، ۲۵۹ بقره، ۲۲ ق
مرگ، قیامت کوچک	۱۰۵ طه، ۳ انفطار، ۱، ۳، ۴ انشاق، ۱، ۳، ۵ تکویر

جدول ۲: ماهیت مرگ

موضوعات	مضامین	نمونه شواهد
عمومی بودن مرگ	اشتراک مرگ بین انسان و دیگر حیوانات	۲۸ انعام
	همه نفوس چشنده مرگ	۱۸۵ آل عمران، ۵۷ عنکبوت
	مرگ تمامی مخلوقات، فنای هر چیزی جز خدا	۱۵ مؤمنین، ۳۵ انبیاء، ۸۸ قصص
	مرگ برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	۳۰ زمر، ۳۴ انبیاء
حتمی بودن مرگ	نزدیک و محقق بودن مرگ	۷۸ نساء، ۸ جمعه، ۱۹ ق
	مرگ تقدیر الهی	۶۰ واقعه، ۶۱ انعام
	کوتاهی عمر انسان و لزوم غنیمت شمردن فرصت‌ها	۱۰، ۱۱ منافقون
	مرگ سرنوشت محتوم هر فرد و هر اجتماعی	۱۱ فاطر، ۳۴ اعراف
	حتمی بودن مرگ، مژده برای مؤمنان	۵ عنکبوت، ۳۴ انبیاء
	سرزنش افراد به علت غیر حتمی دانستن مرگ	۱۵۶، ۱۶۸ آل عمران
	غیراتفاقی و تصادفی بودن مرگ	۸۷ واقعه

۲۶ جاثیه، ۴۳ ق، ۴۴ نجم، ۳۱ یونس	خداوند به عنوان میراننده	مرگ مظهر قدرت خداوند
۶۶ حج	حیات، مرگ و احیا به عنوان نعمت	
۶۸ غافر	مرگ با قدرت خدا و بدون عذر و ممانعت	
۸ دخان، ۲ حدید، ۲۷ جاثیه	نکوهش به دست روزگار دانستن مرگ، خداوند تنها زنده کننده و میراننده	
۱۰۴ یونس، ۸۱ شعراء	امر به پرستش میراننده	
۱۵، ۱۶ فاطر	میراندن و ایجاد خلقی جدید از مظاهر قدرت خدا	
۳۴ لقمان	علم زمان و مکان مرگ انسان ها مختص خدا	

جدول ۳: ضرورت مرگ^۱

موضوعات	مضامین	شواهد
مرگ آگاهی	تفکر درباره نزدیکی مرگ	۱۸۵ اعراف
	نظر کردن علمی در انتقال خلق از خانه ای به خانه دیگر آگاهی انسان از مرگ به دلیل تفکر و تعقل	۱۹ عنکبوت، ۲۷ روم، ۴ نوح
چرایی مرگ	ایجاد زمینه برای زندگی نسل جدید	۲۴، ۲۵، ۳۴ اعراف
	وسیله ای برای تبدیل شدن خلق انسانی به خلقی برتر	۶۰، ۶۱ واقعه
	زمینه ساز دآوری درباره انسان	۳۵ انبیاء
	آزمایش انسان در زندگی به صورت خیر و شر سبب محدودیت و اعتبار بخشی به زندگی به منظور آزمایش انسان برای مشخص شدن عیار او	۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۷، ۴۹ بقره، ۱۷ انفال، ۳۳ دخان، ۱، ۲ دهر
	در کنار زندگی امری وجودی و وسیله آزمایش انسان لزوم یادآوری مرگ برای بندگی به سبب صبر بر آن	۲ ملک

۱. از دستاوردهای مهم فلسفه ملاصدرا، اثبات وجودی بودن مرگ و امکان معرفت به آن است؛ زیرا اگر مرگ امری عدمی و عدم ملکه حیات، پنداشته شود، مستلزم تفسیری سلبی از آن خواهد شد؛ چراکه علم به امری معدوم، تنها به واسطه علم به مفهوم آن صورت می گیرد که فقط الفاظ و عناوینی برای امور باطل الذات اند (صدر الدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۳۹). در نتیجه، امکان معرفت و آگاهی به مرگ وجود دارد. لذا، هنگامی که انسان به مرگ خود می اندیشد، نسبت به آن آگاهی یافته است؛ این آگاهی می تواند زمینه ساز ایجاد ترس و اضطراب در انسان باشد. انسان به تجربه دریافته است که برای غلبه بر ترس از امری، بهترین راه شناخت دقیق آن است در نتیجه برای شناخت مرگ علاوه بر بررسی ماهیت آن، باید به بررسی ضرورت آن نیز پرداخت.

در ادامه برای استخراج و استنباط مؤلفه‌ها از این منابع و منابع دیگر، با بررسی نقاط مشترک و عناصر معنایی آیات و روایات، از هرچند آیه یا روایت حاوی مضمون مشترک، یک مؤلفه و در پایان یک سازه استنباط شد. در واقع، پژوهشگر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، ابتدا کدگذاری باز و بعد از آن، مقوله‌بندی نموده و به کدهای محوری (مؤلفه‌ها) رسید.

مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی

این پژوهش با هدف دستیابی به مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی انجام شد که حاصل آن دستیابی به نتایجی چون معنابخشی به زندگی انسان، تزریق عنصر حرکت به آن، قدر نهادن فرصت زندگی، افزایش صبر و بردباری در برابر ناملایمات، التزام به هنجارهای اخلاقی، کاهش جرایم و فساد و وجود رابطه متقابل میان آگاهی از مرگ می‌باشد. به این منظور، در مرحله اول، به مشاهده نظام‌مند مفاهیم مرتبط با مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی و گردآوری اطلاعات از طریق متن خوانی باز، پرداخته شده است. از آنجا که اصل در این پژوهش، بررسی ماهیت مرگ‌آگاهی در منابع اصیل اسلامی بود، لذا بر آیات و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام تمرکز شد و آیات و روایات مربوط به مرگ و مرگ‌آگاهی با توجه به واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، اهمیت، کارکردها، مراتب و پیامدها بررسی شد. برای مثال: در نهج‌البلاغه امام علی علیه‌السلام، «موت» را این‌گونه معنا می‌فرمایند: «الْمَوْتُ مُفَارَقَةُ دَارِ الْفَنَاءِ وَإِرْتِحَالٌ إِلَى دَارِ الْبَقَاءِ»؛ «مرگ جدا شدن از سرای فانی و رحلت به سوی سرای باقی است» (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۱۶۱). که مرگ در اینجا به معنای انتقال بوده و امری است وجودی که مانند حیات خلقت‌پذیر است (طباطبایی، ج ۱۹، ص ۵۸۵). همچنین، نخستین حقیقتی که از تأمل در روایات درباره واژه «ذکر الموت» به دست می‌آید، ذهنی، قلبی و درونی بودن واقعیت ذکر می‌باشد که در روایتی می‌فرمایند: «اَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ» «مرگ را بسیار یاد کنید، زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد مگر اینکه خداوند دل او را زنده گردانید» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ح ۱۹۱۵۴). امام صادق علیه‌السلام در باب رابطه بین غفلت و مرگ‌آگاهی نیز چنین می‌فرمایند: «ذِكْرُ الْمَوْتِ يَقْلَعُ مَنَابِتَ الْغَفْلَةِ»، «یاد مرگ ریشه‌های غفلت را ریشه‌کن می‌کند» (ابن طاووس، ۱۳۷۶، ص ۷۲). ماده «وفی» نیز با مشتقاتش در حدود ۳۷ بار در قرآن تکرار شده است که ۱۴ بار

با تعبیرهای «نتوفی» (تحویل می‌گیریم) و «یتوفی» (تحویل می‌گیرد) آمده است: (زمر، ۴۲)؛ (سجده، ۱۱)؛ (انعام، ۶۱)؛ (نحل: ۲۸)؛ (زمر، ۴۲)؛ (یونس، ۱۰۴)؛ (اعراف، ۳۷)؛ (نحل، ۳۲) که معنا و منظور آن، گرفتن و دریافت کردن بدون کم‌وکاست است. لذا تحویل گرفتن، نشانه باقی ماندن و ثابت بودن است و به‌کار بردن آن درباره مرگ می‌تواند به این دلیل باشد که مرگ، نیستی و نابودی و فنا نیست، بلکه انتقال از عالم به عالمی دیگر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۲۰، ص ۱۶۷). باز، واژه «معاد» نیز می‌تواند از مفاهیم مرتبط و نزدیک به مرگ‌آگاهی در نظر گرفته شود؛ زیرا بدون تحقق مرگ، معادی رخ نخواهد داد. پس برای آگاه شدن از معاد باید از وقوع مرگ آگاه شد: «فَإِنَّ الْآلِهَةَ أَمَّاكُمْ وَإِنَّ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ» «هدف آخرت پیش‌روی شماست و مقدمات قیامت از پشت سر، شما را به پیش می‌راند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۲۱، ص ۱۱۱). و از طرفی، کسی که در اندیشه معاد است به‌طورحتم، باید در اندیشه مرگ هم باشد. پس، بین معادآگاهی و مرگ‌آگاهی ارتباطی مستقیم وجود دارد. چراکه، معاداندیشی به نوعی انگیزه‌ای برای مرگ‌آگاهی است؛ زیرا انگیزه آدمی یا از طریق تشویق محقق می‌شود و یا از طریق ترهیب و تهدید و توبیخ. حتی مرگ‌آگاهی زمینه را برای توجه به عالم آخرت نیز مهیا می‌سازد؛ زیرا لازمه استکمال حیات دنیوی وجود عالمی به نام «آخرت» است که از طریق مرگ به انسان پیوند می‌خورد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه به صراحت از عالم آخرت سخن گفته و توجه به آن را امری ضروری می‌داند (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، خطبه ۱۰۹، ص ۱۵۸). لازم به ذکر است که به غیر از واژه‌های فوق، واژه‌های دیگری مانند: رجوع، وفی، صبرورت، حضر، فیض، رحلت، قبض و منیه نیز با مرگ‌آگاهی در ارتباط هستند که در لابلائی مطالعات مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، در مجموع، بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی آنها، در ادامه سعی شد تا جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مرگ‌آگاهی، اقدام شود. بر اساس یافته‌های پژوهش در این بخش، ده مؤلفه به دست آمد که در ادامه فرایند مفهوم‌سازی همراه با مستندات مربوط به هر کدام از آنها ارائه می‌شود.

جدول ۴: مستندات، محتواهای استنباطی و مؤلفه‌های مربوط به مرگ آگاهی در منابع اسلامی

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ آگاهی	فراق	گذرگاه همگانی	إِنَّ لِكُلِّ سَاعٍ غَايَةً وَ غَايَةَ كُلِّ سَاعٍ الْمَوْتُ « هر رونده‌ای مقصدی دارد و مقصد نهایی همه مرگ است » (بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۷۲)
		برای همه؛ حتی برترین بندگان خدا	إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ « (ای رسول عزیز ما) شخص تو و همه خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت » (زمر، ۳۰)
		فنای هر چیزی جز خدا	كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ « تمام کسانی که بر روی زمین هستند فانی می شوند و فقط ذات پاک خداوند در این جهان باقی می ماند » (الرحمن، ۲۶ و ۲۷)
	توکل	قابل انکار نبودن، مشخصه و همراه همیشگی انسان	وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ « و دایم به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین (ساعت مرگ و هنگام لقای ما) بر تو فرا رسد » (حجر، ۹۹)
		وعده‌ای قطعی	مَنْ رَأَى الْمَوْتَ بَعَيْنٍ يَقِينَةٍ رَأَهُ قَرِيبًا « هرکه مرگ را با دیده یقین بنگرد آن را نزدیک خواهد دید (غررالحکم، ج ۱، ص ۶۰۶)
		پایان پذیر بودن دنیا	و بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا « مرگ پایان زندگی دنیوی است » (الکافی، ج ۲، ص ۴۹).
	توکل	نامعلوم بودن مکان	و رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَصِيرَهُ، لَا تَعْصُ الْأَمَلَ وَ عُزْرَهُ « اگر بندگان خداوند مسیر آمدن مرگ و زمان آن را می دانستند، امید و آرزوهایشان از این دنیا قطع می شد (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۹)
		مرگ مختص خدا	وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ « هیچ کس نمی داند فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی داند به کدام سرزمین، مرگش فرا می رسد؟ پس تنها خداوند به همه چیز خلاق دانا و بر تمام اسرار و دقایق عالم آگاه است » (لقمان، ۳۴)
		مخفی بودن زمان	فَبَادِرُوا الْعَمَلَ وَ خَافُوا بَعْثَةَ الْأَجَلِ « به عمل بشتابید و از رسیدن ناگهانی مرگ بترسید » (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴)

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ آگاهی	آرامش بخش بودن	عامل طمأنینه و هوشیاری	أَلْمَوْتُ رَاحَةٌ الْمُؤْمِنِ «مرگ مایه آرامش مؤمن است» (وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۴۲۹)
		جهت‌دهی ترس از مرگ	لا مُرِيحَ كَالْمَوْتِ «هیچ آرام بخشی چون مرگ نیست». (میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۱۰۱)
		عامل کسب پیروزی و آرامش	فِي الْمَوْتِ رَاحَةٌ السُّعْدَاءِ «مرگ، مایه آسودگی نیک بختان است» (میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۱۰۱) المَوْتُ رَاحَةٌ الْمُؤْمِنِ «مرگ برای مؤمن، همانند یک دسته گل خوش بوی است» (کنز العمال، ح ۴۲۱۳۶)
	معنا بخش بودن	معرفت بخشی عبرت‌گیری	أَلْمُدَّةُ وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ وَ الْمَاضِي لِلْمُقِيمِ عِبْرَةٌ وَ الْمَيِّتِ لِلْحَيِّ عَقْلَةٌ «مدت عمر هر چند دراز باشد، کوتاه است و آن که رفته برای آن که هنوز هست مایه عبرت است و مرده برای زنده وسیله پند» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۸۰). أَنَّهُ رَخَّصَ فِي زِيَارَةِ الْقُبُورِ وَ قَالَ تُذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ «زیارت گذشتگان شما را به یاد آخرت می‌اندازد (بحار الأنوار ج ۷۹، ص ۱۶۹)
		زنده‌دلی / درک واقعیات معنوی	أَكْثَرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ، فَمَا مِنْ عَبْدٍ أَكْثَرَ ذِكْرَهُ إِلَّا أَحْيَا اللَّهُ قَلْبَهُ وَ هَوَّنَ عَلَيْهِ الْمَوْتَ «مرگ را فراوان یاد کنید؛ زیرا هیچ بنده‌ای آن را بسیار یاد نکرد، مگر این که خداوند دلش را زنده گردانید و مردن را بر او آسان ساخت» (بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۸) أَنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصَدُّ كَمَا يَصَدُّ الْحَدِيدُ، قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ «این دلها گاهی زنگ می‌زنند همچنان که آهن زنگ می‌زند. عرض شد: صیقل دادن دل به چیست؟ فرمود بسیار یاد مرگ بودن و تلاوت قرآن (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴)
		عامل آگاهی و بصیرت	الْإِنْسَانُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا «انسان‌ها در خوابند آن‌گاه که بمیرند از خواب بیدار می‌شوند» (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۴۳) الدُّنْيَا نَوْمَةٌ وَ الْآخِرَةُ يَقْظَةٌ «زندگی دنیا خوابی بیش نیست و آخرت بیداری» (مجموعه وزام ج ۲، ص ۲۴) مَنْ رَاقَبَ أَجَلَهُ اغْتَنَّمَ مَهَلَهُ «کسی که مرگ خود را در نظر دارد از مهلت‌هایی که در اختیار دارد بهره می‌برد» (عیون الحکم، ج ۱، ص ۴۴۹)

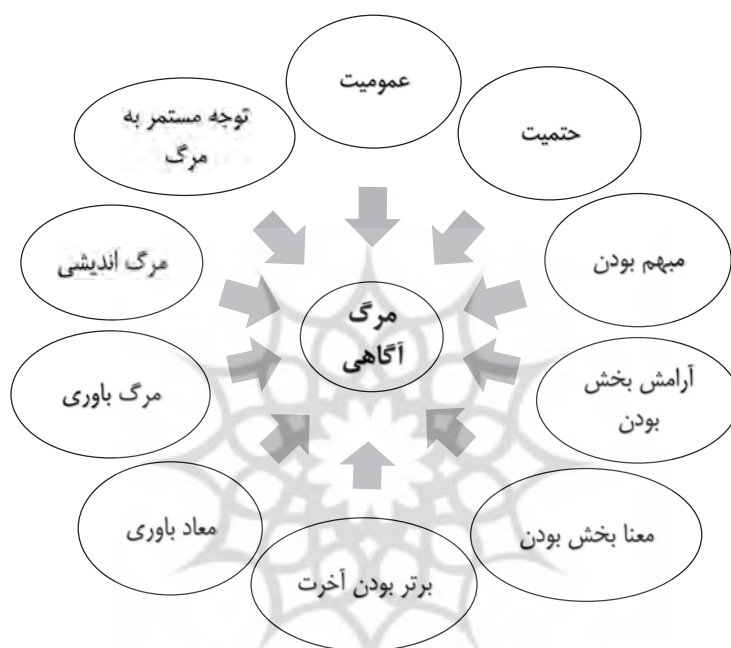
سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ آگاهی	برپردن آخرت	دنیا گذرگاه نه قرارگاه/ وسیله زندگی جاودانه	۱ ما هذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا هُوهُ وَ لَعِبٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ «و این زندگی دنیایی چیزی جز بازی و سرگرمی نیست. زندگی واقعی سرای آخرت است اگر می‌دانستید» (عنکبوت، ۶۴).
		پذیرش برتری نظام آخرت	۲ ذَلِكَ الْمَوْتُ هُوَ ذَلِكَ الْحَمَامُ هُوَ آخِرُ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ تَنْحِيصِ دُنْيَاكَ وَ تَنْفِيَّتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ فَإِذَا أَنْتَ وَرَدْتَ عَلَيْهِ وَ جَاوَزْتَهُ فَقَدْ نَجَّوْتَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَدَى وَ وَصَلْتَ إِلَى كُلِّ سُورٍ وَ فَرِحَ «مرگ به منزله گرما به است و آن آخرین چیزی است که تو را از گناهانت پاک و از زشتی‌ها پاکیزه می‌کند. هرگاه به آن وارد شوی و از آن بگذری از همه غم‌ها و اندوه‌ها و آزارها رهایی می‌یابی و به همه خوشحالی‌ها و شادی‌ها خواهی رسید» (بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۵۶) وَاللَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ «و منزل ابدی آخرت برای مردم پرهیزکار بسی بهتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟» (اعراف، ۱۶۹)
		نفی اشتیاق بیش از حد به دنیا و متعلقات آن	۳ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِتَابَةَ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاِسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ زِيَادَةً «خداوند توفیق کناره گرفتن از دار غرور (دنیا) و روی آوردن به سرای خلود و آمادگی برای مرگ قبل از مردن به من عطا فرما (بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۶۳؛ إقبال الأعمال، ج ۱، ص ۲۲۸، البلد الامین، ج ۱، ص ۲۰۲؛ زاد المعاد، ج ۱، ص ۱۲۹). مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد رغبت او به دنیا کم می‌شود» (غررالحکم، ج ۲، ص ۶۰۶).
معاد پروری	بازگشت همه چیز به سوی او	۱ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ «بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد» (مائده، ۱۰۵). إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (بقره، ۱۵۶ و ۱۵۷).	
	راهی برای بازگشت انسان به خدا/ از افعال خدا/ امری وجودی	۲ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «خداست که خلق را نخست پدید آرد و باز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شوند» (روم، ۱۱).	
	مُنتهای امر آفریدگان، بازگشت به خداست	۳ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ «و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، که جز او هیچ خدایی نیست، هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک‌الذات و نابود است، فرمان با او و رجوع شما به سوی اوست» (قصص، ۸۸).	

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ باوری	مرگ آگاهی	عامل شناخت مرگ و ایمان به خدا و تسلیم بودن	<p>وَأَيُّبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلُمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ</p> <p>«به سوی پروردگارتان باز گردید و تسلیم او شوید، پیش از آن که عذاب (ناگهانی دنیا و یا عذاب آخرت) به شما برسد و دیگر یاری نداشته باشید (زمر، ۵۴).</p> <p>إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ</p> <p>«آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در دنیا و عقبی) نخواهد بود» (احقاف، ۱۳).</p>
		تسلیم محض خدا نبودن علت ترس مرگ	<p>أَمَّا قَوْلُكُمُ الْأَكْلُ ذَلِكَ كِرَاهِيَةَ الْمَوْتِ، فَوَاللَّهِ مَا أَبَالِي دَخَلْتُ إِلَى الْمَوْتِ أَوْ خَرَجَ الْمَوْتُ إِلَيَّ «اما سخن شما که آیا این همه تأمل و درنگ من برای ترس از مرگ و کشته شدن است؛ پس سوگند به خدا هیچ باکی ندارم از داخل شدن در مرگ (کشته شدن در میدان کارزار) یا این که ناگاه مرگ مرا دریابد» (نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۵۵)</p>
		عامل پایداری، حفظ ارزش‌ها، استقبال از شهادت	<p>قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ «آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد، گفتند: چه بسیار گروه‌های کوچک که به فرمان خداوند بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران است» (بقره، ۲۴۹)</p>
مرگ آندیشی	مرگ آگاهی	تعقل کلید درک ماهیت مرگ	<p>كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود و قدرت کامله خویش را به شما آشکار می‌نماید، باشد که عقل خود را به کار برید» (بقره، ۷۳)</p>
		تفکر در آیات الهی سبب آگاهی بر حقیقت مرگ	<p>كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «خدا آیات خود را برای شما این گونه روشن بیان می‌کند، شاید خردمندی کنید» (بقره، ۲۴۲)</p> <p>اغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ «بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید» (حدید، ۱۷)</p>
		تعقل در امور حیات و ممات و روز و شب، علامت ایمان	<p>وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ «و اوست خدایی که زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست، آیا شما عقل خود را کار نمی‌بندید» (مؤمنون، ۸۰)</p>

سازه	مؤلفه‌ها	مفاهیم استنباط شده	مستندات
مرگ‌آگاهی	توجه مستمر	نگاه دائم داشتن	وَ انصب الموت بين أيدينا نصباً ولا تجعل ذكرنا له غيباً «و حالت مرگ را دائم نصب‌العین ما قرار ده و نه آن‌که یک روز به یاد مرگ باشیم» (صحیفه سجادیه، دعای ۴۰).
		توجه مستمر داشتن	النبي ﷺ: حينما سُئِلَ: هل يُحْشَرُ مع الشُّهداء أَحَدٌ؟ قال: نَعَمْ، مَنْ يَذْكُرُ الموتَ في اليَوْمِ و اللَّيْلَةِ عَشْرِينَ مَرَّةً؛ «پیامبر خدا ﷺ: وقتی از ایشان سؤال شد: آیا کسی با شهدا محشور می‌شود؟ فرمود: آری، کسی که شبانه‌روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۰۴). امام علی علیه السلام: ما أنزل الموتَ حَقَّ مَنزِلَتِهِ مَن عَدَّ عَدًّا مِنْ أَجَلِهِ «کسی که فردا را از عمر خود به شمار آورد، مرگ را در جایگاه شایسته‌اش قرار نداده است» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۷).
		هر لحظه به یاد بودن	يَا بُنَيَّ أَكْثَرُ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْتَكُ عَلَيْهِ وَ تُفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ حَتَّى يَأْتِيكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ جَذْرَكَ وَ سَدَدَتْ لَهُ أَرْزُكَ وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتَهُ فَيَهْرِكُ «ای پسر، بسیار یاد مرگ بکن و نیز یاد آن احوال و اوضاعی که ناگهان با آنها مواجه می‌شوی و آنچه را که بعد از مرگ به آن می‌رسی، تا چون مرگت فرا رسد خود را آماده کرده و برای آن، نیروی خود را محکم نموده باشی نه این‌که ناگهان مرگ تو فرابرسد و تو را درمانده ساخته و به تعبیر پیندازد» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۹۶).

بر اساس قانون محاسبه CVI، در روایی محتوایی به‌روشنی کمی حداقل میزان قابل قبول برای شاخص CVI، ۷۹/۰ است که براساس نتایج به‌دست آمده از CVR این ارزیابی، تمامی مؤلفه‌ها از نظر کارشناسان خبره دین و روان‌شناسی، (زیاد) و (خیلی زیاد) با مرگ‌آگاهی ارتباط داشته و هیچ مؤلفه‌ای کنار گذاشته نشد. بنابراین با توجه به قانون محاسبه CVI و CVR در روایی محتوایی، CVI مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع عدد ۱ و CVR مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی براساس منابع اسلامی در مجموع ۹۵۶/۰ بود که در تحلیل نهایی نتایج، هر ۱۰ مؤلفه از روایی محتوایی بالایی برخوردار بوده و در این پژوهش باقی ماندند. در واقع، تمامی کارشناسان، کفایت هر ده مؤلفه را تأیید نمودند. در مجموع و

براساس آنچه از بررسی مؤلفه‌ها و واژگان مرتبط با مرگ‌آگاهی بیان شد، جمع‌بندی نهایی مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی با کنارهم قراردادن موارد مشترک، تحت مؤلفه واحد و همچنین تجزیه و تحلیل محتوایی هر مؤلفه به شرح ذیل می‌باشد:



شکل ۱: مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی

همچنین، با بررسی واژه‌های ده‌گانه، در مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی و نیز با توجه به آثار و پیامدهای مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی می‌توان به تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی دست یافت.

شکل ۲: الگوی مفهومی مرگ‌آگاهی در منابع اسلامی



بحث و نتیجه‌گیری

طبق تحقیقات و نظرات ارائه شده در حوزه مرگ و مرگ‌آگاهی از سوی محققین و دانشمندان، و نیز از آنجاکه قبل از بیان مؤلفه‌های مفهوم مرگ‌آگاهی، باید به بررسی ماهیت مرگ‌آگاهی در منابع اصیل اسلامی (آیات و روایات در کتب معتبره) پرداخت و از سویی دیگر، چون مرگ‌آگاهی، سازه‌ای بسیط نیست، بلکه از کنار هم قرار گرفتن مرگ و آگاهی شکل می‌گیرد؛ بنابراین برای شناخت این مفهوم، استفاده از کلیدواژه‌های مشخص و محدود برای جستجو در منابع اسلامی کاربرد نداشت. از این رو پس از مشخص شدن تعریف و ابعاد مرگ و مرگ‌آگاهی در تحقیقات روان‌شناسی موجود، به متون دینی مراجعه و بر آیات و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام تمرکز شد. بعد از شناسایی واژگان و تبیین معانی لغوی و اصطلاحی، جهت بررسی مؤلفه‌های مفهوم مورد نظر، اهمیت، واژه‌شناسی، مؤلفه‌شناسی، کارکردها، مراتب و پیامدهای مرگ‌آگاهی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با بررسی مفاهیم، برای مفهوم‌شناسی مرگ‌آگاهی در لغت و متون دینی، نکات ذیل به دست آمد که با تحلیل همراه با دقت نظر، تعریف جامعی از مرگ‌آگاهی به دست آمد:

۱. در لغت و روایات دینی و براساس تبیین کلید واژه‌های انتخاب شده، در مجموع این ده مؤلفه جزء مؤلفه‌های مرگ‌آگاهی به حساب آمدند: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، آرام‌بخش بودن، معنابخش بودن، برتر بودن آخرت، معادباوری، مرگ‌باوری، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر.

۲. در یک بررسی دقیق‌تر، مشخص شد که سه مؤلفه: مرگ‌باوری، معادباوری و برتر بودن آخرت، جزء مؤلفه‌های دسته علی (زمینه‌ای)؛ مؤلفه‌های: فراگیر بودن، حتمی بودن، مبهم بودن، مرگ‌اندیشی و توجه مستمر، جزء مؤلفه‌های ماهوی و سرانجام، دو مؤلفه: معنابخش بودن و آرام‌بخش بودن نیز جزء مؤلفه‌های پیامدی به‌شمار می‌آیند و در این راستا، می‌توان مدعی شد که مرگ‌آگاهی قادر است که یک سازه مرکب از مؤلفه‌های زمینه‌ای، ماهوی و پیامدی باشد.

۳. همچنین، در یک تحلیل عمیق‌تر، مؤلفه‌های پیامدی، به‌نوبه خود، به سه دسته: بینشی، گرایشی (عاطفی هیجانی) و کنشی (رفتاری) تقسیم شوند که دو مؤلفه: خودشناسی و بصیرت‌بخشی در قلمرو پیامدهای بینشی مرگ‌آگاهی؛ مؤلفه‌های: محاسبه‌گری، غفلت‌زدایی، عجزبخشی، امیدبخشی، عبرت‌آموزی، شادکامی و رفع افسردگی و تسهیل‌گری مصائب جزء حوزه گرایش به حساب آیند و سرانجام مؤلفه‌های: خویش‌داری، عدالت‌ورزی،

شجاعت‌ورزی، گذشت‌ورزی، انفاق‌گری، قناعت‌ورزی، امانت‌ورزی، توبه‌گری، تعدیل‌گری دنیا، صلح‌ارحام و مدیریت زمان هم در حیطه حوزه کنشی و رفتاری برخوردار است از مرگ‌آگاهی قرار بگیرند که این نکات و جمع‌بندی‌ها در قالب شکل (شکل ۲) نشان داده شد.

بر این اساس، و با توجه به تعریف و نظرات ارائه شده در خصوص مرگ و مرگ‌آگاهی و نیز با توجه به وجود مبانی نظری کامل و جامع در حوزه حقیقت مرگ و هوشیاری نسبت به آن و نیز تأکید فراوان اسلام به آن، در این پژوهش، برای مرگ‌آگاهی تا پیدا شدن تعریفی بهتر، تعریف زیر پیشنهاد می‌گردد:

مرگ‌آگاهی، سازه‌ای است روان‌شناختی، مبتنی بر توجه پیوسته به حقیقت مرگ در چارچوب اندیشه اسلامی به‌عنوان یک پدیده فراگیر، قطعی، پر رمز و راز که به زندگی انسان معنای الهی داده و موجبات آرامش و تلاش مؤثر را برای تأمین سعادت غایی فراهم می‌آورد.

در این تعریف کوشیده شده است تا هم معیارهای مورد توافق بیشتر صاحب‌نظران در زمینه مرگ و مرگ‌آگاهی لحاظ شود و هم به جهت مفهومی، شروط جامعیت، مانعیت و صرفه‌جویی را تا حد امکان احراز کند. بر این اساس، می‌توان به مرگ‌آگاهی، چهار نکته را نسبت داد: نخست این‌که این سازه، نوعی توانایی شناختی است نه گونه‌ای از رفتار یا ویژگی اخلاقی، سپس، درونی (تاریخچه‌ای) است یعنی فطری و جهان‌شمول است، هم‌چنین، رشدیابنده است یعنی از آموزش، فرهنگ و جهان‌بینی و ... اثر می‌پذیرد، و سرانجام این‌که، سازگاری - محور است یعنی سازگاری مؤثری با خود، دیگران و خدا دارد.

به‌طورکلی، در دیدگاه‌های روان‌شناختی و فلسفی، مرگ و توجه مستمر به آن به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر زندگی به دور از معنا و استفاده‌های دینی آن مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه مادیون، مرگ یک مفهوم به‌طورکامل، فیزیولوژیکی دارد و مردن از لحاظ فیزیولوژیکی به‌منزله توقف کارکردهای کامل حیاتی است و از دیدگاه روان‌شناختی، ممکن است برای افراد مختلف، معناهای متفاوتی داشته باشد. مردن به‌معنای از دست دادن عزیزان، توقف فعالیت‌های زندگی، رها کردن تجربه‌ها و ورود به دنیایی ناشناخته است و آگاهی^۱ توانایی دانا شدن و درک کردن (برای احساس کردن) یا کسب معرفت از رویدادها است. آگاهی به‌طور گسترده‌تر، حالت هشیار بودن کسی یا چیزی است (گروه

1. Awareness.

واژه‌گزینی، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ذیل سرواژه آگاهی). اما از دیدگاه اسلام و متون اسلامی، مرگ، آخر زندگی انسان نیست، بلکه آخر انتخاب‌های زندگی این جهانی است. اما خداوند قادر است که انسان را در آخرت به زندگی بازگرداند. در این دیدگاه، به مرگ بیشتر به عنوان انتقال از یک عامل به عامل دیگر نگریسته می‌شود که ادامه حرکت تکاملی را ممکن می‌سازد و کمتر به جنبه‌های دیگر مرگ تأکید شده است. بنابراین دانش فعلی پیرامون مرگ، را پیوستاری در نظر گرفت که در یک طرف آن دانش روان‌شناسی است که در پاسخ به سؤالاتی که در رابطه با ابعاد علمی آن مطرح است و مطالعات ارزشمندی فراهم آورده است. در طرف دیگر پیوستار، قرآن و روایات گنجینه ارزشمندی را فراهم آورده است که به زندگی انسان معنا داده و به نیازهای ریشه‌دار انسان مانند جاودانگی پاسخ می‌دهد. ضمن آن‌که، مرگ آگاهی را دارای اثرات سازنده فردی و اجتماعی می‌داند.

با این تقریر، آشکار می‌شود که مرگ آگاهی با اینکه یک سازه جدید در روان‌شناسی تجربی است و هنوز راه تثبیت شده‌ای برای عملیاتی کردن آن وجود ندارد اما می‌توان تغییراتی را که مرگ آگاهی در زندگی افراد به بار می‌آورد را فقط دفاعی ندانست بلکه آن را در کانون روان‌شناسی مثبت‌نگر قرار داد (لی، ۲۰۰۸؛ فری‌اس، واتکینز، وبر و فرا، ۲۰۱۱؛ ویل، یول، آرنت، وس، راتلج و روتینز، ۲۰۱۲). در واقع، از این رهگذر، مرگ آگاهی، مفهومی است که درون آن انهدام و نابودی شخص نیست، بلکه توجه مستمر به انتقال انسان از یک مرحله به مرحله دیگر یا تحول انسان از نقصان به درجه‌ای از کمال است. با این نگاه و بینش، سلسله ارزش‌ها در زندگی، تغییر معناداری پیدا نموده و ارزش‌های مجازی و ناپایدار جای خود را به ارزش‌های اصیل و جاودانه می‌دهند. منافع و لذت‌ها و حتی سلیق و تمایلات دنیایی نیز، تعریفی دیگر به خود می‌بینند. تعریفی که در آن رضایت معبود و خشنودی محبوب جای دارد. زندگی، فرصت خدمت به خلق خدا و به قصد قرب الی‌الله دیده می‌شود و هر لحظه آن، زمان عبادت و تسبیح پروردگار. بنابراین، اگر تمام عواملی که در تربیت و تهذیب انسان‌ها نقش دارند، به دقت مورد بررسی و مذاقه قرار بگیرند، بی‌شک مرگ آگاهی، مؤثرترین و کاراترین عامل خواهد بود که می‌تواند رابطه و تعامل انسان را در عرصه مختلف اصلاح نموده و سامان بخشد. به انسان می‌فهماند که تمام هستی و همت خود را صرف این

1. Lee, V.

2. Frias, A., Watkins, P. C., Webber, A. C., & Froh, J.

3. Vail, K. E., Juhl, J., Arndt, J., Vess, M., Routledge, C., & Rutjens.

چند روز دنیا نکند و در برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های خود، آخرت را هم در نظر داشته باشد. چراکه حتی علم هم ثابت نموده است که مرگ‌آگاهی اگرچه دردناک است، باعث استذکار به سلسله‌ای از بینش‌های فطری می‌شود که برای فرد سلامت‌آفرین است. آگاهی از مرگ، افراد را تحریک می‌کند تا به این تصور برسند که فعالیت آنها به میراث پایدار در میان نسل‌های فعلی و آینده در حوزه‌هایی از قبیل آینده خانواده، کسب‌وکار، خدمات خیریه، علم، آموزش، سلامت و مراقبت، دولت، هنر، ورزش و یا هر تعداد دیگر از حوزه‌های موجود تبدیل خواهد شد (مک‌کیب، ویل و آرن‌ت^۱، ۲۰۱۸).

در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی ساخت پرسشنامه مرگ‌آگاهی را طراحی و تولید نمایند. همچنین، از دیگر فعالیت‌هایی که شایسته است در این حوزه صورت پذیرد، بررسی جداگانه رابطه مفهوم مرگ‌آگاهی با مفاهیم روان‌شناختی از قبیل افسردگی، سبک زندگی، خودمهارگری و ... است.

منابع

- قرآن کریم.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، *نهج‌البلاغه (صبحی صالح)*، قم: دارالعرفان.
- ادوارد، فرانک و وارد، برایان (۱۳۷۷)، *فرا‌تر از ادراک*، ترجمه حریری، مریم و حجازی، آرش، تهران: انتشارات کاروان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷)، *میزان‌الحکمه*، قم: انتشارات دارالحدیث.
- ایمانی خوشخو، مریم و اسماعیلی، کبری (۱۳۹۴)، «آثار مرگ‌اندیشی در قرآن و سخنان امام علی (ع)»، *دو فصلنامه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، دانشگاه خوارزمی تهران، بهار و تابستان، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵-۳۲.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶)، *محاسبه‌النفس*، تهران: مرتضوی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و درر الکلم*، مصحح: سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتاب اسلامی.
- بلاکهام، هرولد جان (۱۳۶۸)، *شش متفکر اگزیستانسیالیست*، ترجمه حکیمی، محسن، تهران: سعدی.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد ابن محمد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دارالکتاب اسلامی.

- توان، بهمن؛ جهانی، فرزانه و حکمت پور، داوود (۱۳۹۲)، «مفهوم مرگ از دیدگاه دانشگاهیان؛ یک مطالعه کیفی»، *مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، سال ۲، شماره ۴، صص ۳۶۵ - ۳۵۸.
- احمدی فارستانی، مجتبی؛ حشمتی، رسول و هاشمی نصرت آباد، تورج (۱۳۹۸)، «الگوی ساختار نگرش به مرگ بر اساس سبک های دلبستگی در نوجوانان مبتلا به سرطان: نقش میانجی سرکوبگری و حساسیت اضطرابی»، *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، دوره ۲۵، شماره ۳، صص ۳۰۸ - ۳۲۷.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «روش تحلیل کیفی محتوای متون دینی»، *مجله مطالعات اسلام و روان شناسی*، دوره ۱۴، شماره ۲۷، شماره پیاپی ۲۷، پاییز و زمستان، صص ۴۱ - ۷۳.
- شجاعی، محمدصادق؛ جانبرزگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳)، «کاربرد نظریه حوزه های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، *مطالعات اسلام و روان شناسی*، ۸ (۱۵) ۷ - ۳۸.
- حقایق، سیدعباس و کجیاف، محمدباقر (۱۳۹۵)، *مرگ از دیدگاه روان شناسی و اسلام*، اصفهان.
- زندی، محسن و موسوی، سید محمود (۱۳۹۶)، «رویکرد وجودی نگر آیات و روایات در رابطه مرگ اندیشی و سلامت روان»، *مجله علوم حدیث، تابستان*، شماره ۸۴، صص ۵۱ - ۷۸.
- صالحی، اکبر، اکبرزاده، فهیمه (۱۳۹۴)، «تحلیل تطبیقی دیدگاه اسلامی و آرای مارتین هایدگر در زمینه مرگ آگاهی و پیامدهای آن بر سبک زندگی»، *مجله پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ۲۳، دوره جدید، شماره ۲۶، بهار، صص ۸۳ - ۵۹.
- طاهری سرتشنیزی، اسحاق و موسوی، مریم السادات (۱۳۹۱)، «مرگ آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج البلاغه»، *مجله انسان پژوهی دینی*، دوره ۹، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صص ۱۹۷ - ۱۷۷.
- عسگری یزدی، علی؛ قمی، محسن و رازآبادی، محمد (۱۳۹۷)، «تأملی بر مرگ و معنابخشی آن به زندگی در حکمت صدرایی و اگزستانسیالیسم الحادی»، *مجله اندیشه نوین دینی*، سال ۱۴، پاییز، شماره ۵۴، صص ۶۰ - ۴۵.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، *تفسیر المیزان*، محمد باقر همدانی، قم: حوزه علمیه.
- علی اکبری دهکردی، مهناز و دلیر، مجتبی (۱۳۸۸)، «تأثیر مرگ آگاهی بر نیرومندی باور، اجتناب و افسردگی مبتلایان به اختلال وسواس - اجبار»، *مجله دست آوردهای روان شناختی*، دانشگاه اهواز، بهار و تابستان، دوره ۴، سال ۱۶، شماره ۱، صص ۱۰۶ - ۸۷.
- فرح بخش، کیومرث؛ کاظمیان، سمیه و ردایی، حمید (۱۳۹۶)، «بررسی کیفی نقش مؤلفه های وجودی مرگ آگاهی و مسئولیت در انطباق مؤثر مراقبت کنندگان بیماران مبتلا به سرطان»، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره گرایش توانبخشی*، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی (ع).

- قنبری، بخشعلی و مشایخی پور، محمدعلی (۱۳۹۱)، «معنا و مفهوم مرگ‌آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، *مجله معرفت*، سال ۲۱، شماره ۱۸۳، سال، صص ۲۷۰-۴۱.
- کوبلر راس، الیزابت (۱۳۸۶)، *پایان راه پیرامون مرگ و مردن*، ترجمه بهرامی، علی اصغر، تهران، انتشارات رشد.
- قانع‌راد، محمد امین و کریمی، مرتضی (۱۳۸۵)، «نمایشنامه فرهنگی مرگ و مردن (مورد مطالعه: بیماران سرطانی بیمارستان امام خمینی (علیه السلام))»، *فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۷۴-۵۱.
- لپ، اینیاس (۱۳۷۱)، *روان‌شناسی مرگ*، ترجمه رفیعی مهرآبادی، محمد، تهران: زحل.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مظفری ورسی، محمدحیدر (۱۳۹۲)، *مرگ‌اندیشی در آموزه‌های اسلامی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ملک‌شاهی بیرانوند، فاطمه؛ خدابخش پیرکلانی، روشنگر؛ خسروی، زهره و عامری، فریده (۱۳۹۸)، «مقایسه و اثربخشی مداخله مبتنی بر مرگ‌آگاهی با مداخله شناختی رفتاری بر اختلال وحشت‌زدگی و اضطراب مرگ»، *مجله پژوهش در سلامت روان شناختی*، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۴۸-۳۹.
- Abdel-Khalek, A. M. (1998), The structure and measurement of death obsession. *Personality and Individual Differences*, 24, 159-165.
- Almanasreh, E. , Moles, R. , & Chen, T. F. (2019), Evaluation of methods used for estimating content validity, *Research in Social and Administrative Pharmacy*, 15(2), 214-221.
- Buckman, R. (1993), *Communication in palliative care: a practical guade, In oxford textbook of palliative medicine* (doyle, D. Hanks. G. W. C& Macdonald, N. (eds), Oxford medical publications, Oxford.
- Cooper, M. (2003), *Existential therapies. London: Sage Publications experimental existential psychology*, New York: Guilford Press.
- Firestone, R. & Catlett, J. (2009), *Beyond death anxiety*, New York: Springer.
- Frias, A. , Watkins, P. C. , Webber, A. C. , & Froh, J. J. (2011), Death and gratitude: Death reflection enhances gratitude, *The Journal of Positive Psychology*, 6(2), 154-162.

- Ghorbani, N (2013), *Self narrated by self*, Tehran: Binesh-e-No Press (in Persian).
- Goranson, A. , Ritter,R. S. Waytz ,A, Norton, M. I , Gray, K. Dying . (2017) Is Unexpectedly Positive, *Psychol. Sci.* 28(7) 988–999.
- Grant, A. M. & Wade-Benzoni, K. A. (2009), The hot and cool of death awareness at work: Mortality cues, aging, and selfprotective and prosocials motivations, *Academy of Management Review*, 34(4), 600–622.
- Greenberg, J. , Koole, S. L. , & Pyszczynski, T. (Eds), (2004), Handbook of Hoelterhoff, M. E. (2010), Resilience against death anxiety in relationship to post traumatic stress disorder and psychiatric co- morbidity, *Thesis of DOCTOR OF PHILOSOPHY*. University of ply mounts, School of psychology.
- Kastenbaum, Robert ,(2003), *Macmillan encyclopedia of death and dying*, Volume 1, New York, The Gale Group, Inc.
- Kenneth, V & Jacob, J(2015), An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes. *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kenneth, V & Jacob, J. (2015) An Appreciative View of the Brighter Side of Terror Management Processes, *J. Soc. Sci.* ; 4 (4): 1020-1045.
- Kübler-Ross, E. (2009), *On death and dying: What the dying have to teach doctors, nurses, clergy and their own families*, Taylor & Franci.
- Lee, V. (2008), The existential plight of cancer: meaning making as a concrete approach to the intangible search for meaning, *Supportive Care in Cancer*, 16(7), 779-785.
- Maxfield, M. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , and J Greenberg, J(2010), Mortality Salience Effects on the Life Expectancy Estimates of Older Adults as a Function of Neuroticism, *J Aging Res.* 2010; 26.
- May, R. , & Yallom, I. (2000), *Existential psychotherapy*, In: Corsini, R. & Wedding, D. (eds.), current psychotherapies. Itasca Illinois: F. E. Peacock Publishers Inc.

- McCabe, S. Kenneth, E. & Arndt, J. (2018), The impact of death awareness on sizes of self- representational objects, *British Journal of Social Psychology*, 57(1), 174–188.
- McCullough, L. , Kuhn, N. , Andrews, S. , Kaplan, A. , Wolf, J. , & Hurely, C. (2003), *Treating affect phobia: A manual for short-term dynamic psychotherapy*, USA: Guilford Press.
- Mohammadpour, A. (2011), *Victor Frankl: the founder of logotherapy*, Tehran: Danzheh Press (in Persian).
- Polit, D. F. , Beck, C. T. , & Owen, S. V. (2007), Is the CVI an acceptable indicator of content validity? Appraisal and recommendations, *Research in nursing & health*, 10(2), 295-262.
- Rosenblatt, A. , Greenberg, J. , Solomon, S. , Pyszczynski, T. , & Lyon, D. (1989), Evidence for terror management theory: I. The effects of mortality salience on reactions to those who violate or uphold cultural values, *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 681–690.
- Stein, J. H. , & Cropanzano, R. (2011), Death awareness and organizational behavior, *Journal of Organizational Behavior*, 32(8), 1189-1193.
- Vail, K. E. , Juhl, J. , Arndt, J. , Vess, M. , Routledge, C. , & Rutjens, B. T. (2012), When Death is Good for Life Considering the Positive trajectories of Terror Management, *Personality and Social Psychology Review*, 6(4), 303-329.
- Wong, Waiying (2015), The Concept of Death and the Growth of Death Awareness Among University Students in Hong Kong: A Study of the Efficacy of Death Education Programmes in Hong Kong Universities, *OMEGA: Journal of Death and Dying*, v74, 3. 304-328.
- Wysoczańska, A. W. (1999) Everyday Awareness of Death: A Qualitative Investigation, *J. Humanist. Psychol*, 30 (3): 73-95.
- Yalom, I. (1980), *Existential psychotherapy*, USA: Yalom Family Trust

- Zhang, H. Hu, M. Zeng, L. Ma, M & Li, L. (2020), Impact of death ducation courses on emergency nurses' perception of effective behavioral responses in dealing with sudden death in China: A quasi-experimental study, *Nurse education today*, 85(2).

